

فرهنگ روسی به فارسی کشورشناسی روسیه

دکتر آرش گل اندام

عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه گیلان،

رشت، ایران

golandam@giulan.ac.ir

واژه‌های کلیدی: کشورشناسی، فرهنگ دوزبانه، زبان فارسی، زبان روسی.

اهمیت مطالعه و شناخت مباحثی چون فرهنگ، تاریخ، جامعه، رسوم و سنت‌ها، دین و باورهای مذهبی را که هنگام فراگیری زبان‌های خارجی نیز مطالعه می‌شود، می‌توان با عنوان کشورشناسی گرد آورد. از دیدگاه زبان‌شناسی فرهنگی قبل از هر چیز باید «کلمات با بار فرهنگی»^۱ انتخاب شوند و سپس در راستای اهداف زبان‌شناسی فرهنگی در دسته‌های مشخص معنایی و محیطی، مشخص شده و توضیح، توصیف و ترجمه آن‌ها انجام شود [Томахин, ۱۹۸۰, ۴۷]. آموزش زبان خارجی در سطح پیشرفته بدون اطلاعات فرهنگی از محیط و بومی که زبان در آنجا کاربرد دارد، ناقص است. هنگام مقایسه زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر نمونه‌های مشاهده می‌شوند که با هم همخوانی دارند و نمونه‌هایی نیز مطابقت نمی‌کنند. زبان به‌عنوان یکی از مظاهر فرهنگی از جمله نمونه‌هایی است که مطابقت و تشابه کمتری دارد. هراندازه زبان‌های مقایسه‌شده منفرد باشند و هرچه از لحاظ فرهنگی با دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها برخورد و ارتباط کمتری داشته باشند، به همان میزان وجه اشتراکات کمتری دارند و تمایزات و اختلافات زیادی می‌توانند داشته باشند [Томахин, ۱۹۸۸, ۱۳].

کلماتی که در زبان دیگر مترادف ندارند و نمونه‌هایی که مربوط به یک زبان بوده و در زبان دیگر وجود ندارند، از جمله نمونه‌هایی هستند که تشابه و تطابق در آن‌ها کمتر است یا اصلاً وجود ندارد. طبق تعریف آقای تماخین اسامی اشیای مربوط به فرهنگ مادی، رویدادهای تاریخی، ابزار دولتی، اسامی قهرمانان ملی - مذهبی و مردمی (فولکلور) و موجودات اسطوره‌ای (میفولوژیک) که صرفاً مربوط به یک ملت و مردم خاص هستند، کلمات با بار فرهنگی نامیده می‌شوند. [Томахин, ۱۹۸۸, ۲۵] خانم ا. س. آخمتوا بر این باور است که، دانستن حداقل کلمات با بار فرهنگی به‌عنوان رکن اصلی ارتباط زبانی توسط گوینده و شنونده و لازمه ایجاد هرگونه ارتباط زبانی است. [Ахманова, ۱۹۶۹, ۱۹]

^۱ Языковые реалия

آقای ن. گ. کومیلوف اولین زبان‌شناس روسی است که مفهوم کلمات با بار فرهنگی- تاریخی را وارد زبان‌شناسی کرده است. او بر این باور بود که کلمه علاوه بر نامیدن یک عینیت بیرونی در یک جامعه، ذهنیت و زمینه‌های مرتبط با آن مفهوم را نیز به وجود می‌آورد. [Ахманова, ۱۹۶۹, ۳۷]

در مقاله فوق، موضوع نگارش «فرهنگ روسی به فارسی کشورشناسی» بررسی می‌شود. برای رسیدن به این هدف نمونه‌های زیر بررسی و روی آن‌ها مطالعه شده است:

- انتخاب «کلمات با بار فرهنگی» و تشخیص آن‌ها از دیگر لغات پیکره زبان روسی؛
- دسته‌بندی «کلمات با بار فرهنگی» در گروه‌های جداگانه؛
- انتخاب «کلمات با بار فرهنگی» از لحاظ کاربرد و بسامد در دوره زمانی مشخص؛
- انتخاب «کلمات با بار فرهنگی» از لحاظ محدوده کاربردی؛
- انتخاب حداقل حجم بافت متنی «دانش پس‌زمینه‌ای^۱» به منظور درک «کلمات با بار فرهنگی».

کلمات انتخاب‌شده برای «فرهنگ روسی به فارسی کشورشناسی» بر اساس معیارهای ارائه‌شده توسط محققان روسی همچون ورشاکین، کاستوماروف و توماخین، انتخاب شده‌اند [Верещагин, ۱۹۸۰, ۴۸]. انتخاب و جداسازی «کلمات با بار فرهنگی» از دیگر لغات بدون این بار معنایی در زبان روسی، با توجه به بسامد و کاربرد بودن، صورت می‌گیرد. در نگارش «فرهنگ روسی به فارسی کشورشناسی» از «کلمات با بر معنایی فرهنگی» مربوط به یک منطقه خاص استفاده نمی‌شود.

سرمدخل‌های «فرهنگ روسی به فارسی کشورشناسی» از اسامی اشیای مربوط به فرهنگ مادی، رویدادهای تاریخی، ساختار دولتی، اسامی قهرمانان ملی - مذهبی و مردمی (فولکلور) و موجودات اسطوره‌ای (میفولوژیک) که صرفاً مربوط به مردم روسیه هستند، همانند کلمات “субботник”, “Баба-Яга”, “Доктор айболит”, “Сусанин”, “ехать зайцем”, “Масленица” و “Трапеза” تشکیل شده است.

همان‌طوری که معلوم است، لغت‌نامه‌های معمولی و تخصصی غیر کشورشناسی قادر به توضیح و ایجاد ذهنیت دقیق از «کلمات با بر معنایی فرهنگی» نیستند. لیکن در خصوص کلماتی که از پیچیدگی معنایی برخوردار هستند و برای درک آن‌ها به معلومات «دانش پس‌زمینه‌ای» در آن زبان و فرهنگ نیاز است، ناتوان‌اند؛ به‌عنوان مثال، درباره کلمه домовой که در زبان روسی به معنی «روح خانه یا حافظ خانه» است، در فرهنگ لغات روسی به فارسی هیچ‌گونه اطلاعاتی داده نمی‌شود. مثال دیگر کلمه «заяц» به معنی خرگوش که در زبان و فرهنگ روسی به مفهوم ترسو درک می‌شود. همین کلمه در جمله “ехать зайцем” می‌تواند (رفتن خرگوش) معنی شود که تنها صورت و ظاهر کلمه را که «خرگوش» و «رفتن» است، می‌توان ترجمه کرد. در صورتی که همین جمله در «فرهنگ روسی به

^۱.Фоновые знания

فارسی‌شناسی» به معنی با وسیله نقلیه (اتوبوس، قطار) دزدکی سفر کردن است. توضیحات سرمدخل‌های فرهنگ، در واقع همان اطلاعات مربوط به «دانش پس‌زمینه‌ای» است. «فرهنگ روسی به فارسی‌شناسی» می‌تواند در امر شناخت بعد فرهنگ زبانی، برای زبان‌آموزان در مراحل پیشرفته کمک شایانی داشته باشد.

دستاوردهای نگارش «فرهنگ روسیه به فارسی‌شناسی» را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: ایجاد پیکره‌ای از «کلمات با بار فرهنگی» در زبان روسی و بیان آن در زبان فارسی. تقسیم‌بندی «کلمات با بار فرهنگی» در دسته‌های مختلف موضوعی. ارتباط‌دهی بین سرمدخل‌های مرتبط برای ایجاد تصور کامل‌تر از یک واقعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره. ارائه مطالب مربوط به دانش پس-زمینه‌ای «کلمات با بار فرهنگی» و ایجاد یک تصویر کامل از یک واقعیت اجتماعی.

References

منابع

1. Ахманова О.С. Словарь лингвистических терминов - М., Советская энциклопедия, 1969.
2. Берков в. П. Беркова А. В. Беркова О. В. Как мы живем. Пособие по страноведению для изучающих русский язык - Сан Петербург, Златоуст, 2003.
3. Брагина А.А. Лексика языка и культура страны в лингвострановедческом аспекте - М., Рус. яз., 1981.
4. Верещагин Е.М. Костомаров В.Г. Лингвострановедческая теория слова - М., Рус. яз., 1980.
5. Верещагин Е.М. Костомаров В.Г. Страноведение и преподавание русского языка как иностранного, - М., 1971.
6. Верещагин Е.М. Костомаров В.Г. Лингвострановедческая проблематика страноведения в преподавании русского языка иностранцам - МГУ, 1971.
7. Лингвистический энциклопедический словарь. М., 1990.
8. Розенталь Д. Э., Теленкова М.А. Словарь – справочник лингвистических терминов. – М., ООО «Издательство Астрель», ООО «Издательство АСТ», 2001.
9. Советский энциклопедический словарь - М., Сов. Энциклопедия, 1981.
10. Томахин Г.Д. Реалии — американизмы. Пособие по страноведению: Учеб. пособие для ин-тов и фак. иностр. яз. — М., Высш. шк., 1988.
11. Томахин Г.Д. Фоновые знания как основной предмет лингвострановедения, Ин. яз. В школе, 1980.
12. Шумагер Е.И. Фоновая лексика, ее своеобразие и связь с культурой//Лексика и культура. Тверь: Тверской государственный университет, 1990. с. 280.